بسم الله الرحمن الرحیم

درس خارج فقه 12/3/1393

بحث در مورد سند روایتی بود که سندش **حسن بن محمد بن سماعه عن علی بن سکین عن مشمعل بن سعد عن ابی بصیر عن ابی عبدالله علیه السلام فی رجلٍ ترک أبویه و أخویه** خوب عرض کردیم در این سند حسن بن محمد بن سماعه واقفیِ ثقه هست ، مشمعل بن سعد امامیِ ثقه هست، ابی بصیر که مطلقاتش منصرف یه یحیی اسدی است آن هم امامیِ ثقه جلیل القدر از اصحاب اجماع است و در آن بحثی نیست، فقط علی بن سکین در سند این روایت هست که آن مورد بحث است ، ما علی بن سکین را در عداد مشایخ حسن بن محمد بن سماعه جایی به نام علی بن سکین ندیدیم ، خوب در مشایخ حسن بن محمد بن سماعه که مراجعه میکنیم دو تا عنوان را میبینیم که با یک عنوان مشابهت دارد میتواند این عنوان مورد بحث ما با آن عنوان ارتباط داشته باشد ،یکی در تهذیب جلد 9 صفحه 286 روایت 1039 **که حسن بن محمد بن سماعه عن علی بن محمد بن سکین عن نوح بن درّاج عن عقبة بن بشیر عن ابی جعفر علیه السلام فی رجلٍ مات و ترک زوجته و أبویه** همچنان که ملاحظه میفرمایید ،سوال دقیقاً سوال از نحوهء تقسیم ارث است ، خوب خیلی مشابه هست با **فی رجلٍ ترک أبویه و أخویه** ، خوب این احتمال به ذهن خطور میکند که این علی بن سکینی که اینجا هست ، مثلاً نسبت به جدّ باشد ، علی بن محمد بن سکین باشد ،خوب این یک روایت ، یک روایت دیگه ای که میتواند در سند ما مورد نظر باشد این روایت هست که در تهذیب جلد 6 صفحه 372 رقم 1080 عن الحسن بن محمد بن سماعه عن علی بن سکن عن عبدالله بن وضّاح عن یعقوب بن شعیب ، البته این روایت دوم مربوط به ثمن العذرة من الصحت هست متنش از جهت متنی به ما نحن فیه ارتباطی ندارد ولی عنوان راوی که علی بن سکن باشد این با علی بن سکین از جهت لفظی شباهت دارند و این احتمالی که در علی بن سکن یا علی بن سکین تصحیفی رخ داده را به ذهن خطور میدهد، ولی در وسائل این روایتی که نقل کرده در جلد 17 صفحه 75 رقم 22284 به لفظ علی بن مسکین نقل کرده است ، خوب حالا ببینیم اینها را چه باید کرد آیا این دوتا احتمالی که ذکر کردم که این علی بن سکن یا علی بن مسکین باشد یا علی بن محمد بن سکین ،اینها درست هست یا درست نیست ؟ خوب آن روایت تهذیب را وقتی مراجعه میکنیم میبینیم که در استبصار روایت را به گونهء دیگری نقل کرده است ، به جای علی بن محمد بن سکین ، علی عن محمد بن سکین نقل کرده است ، پس علی بن محمد بن سکین اصلاً معلوم نیست وجود خارجی داشته باشد ممکن است تصحیف علی عن محمد بن سکین باشد و تصحیفش هم خیلی طبیعی است اینجا ، چون نامهایی که در اسناد ما سه قطعه ای هستند ،علی بن محمد بن سکین ، نه این چیز خاصی نیست، یعنی هم علی بن محمد بن سکین میتواند تصحیف بشود به علی عن محمد بن سکین هم برعکسش ، چون هم علی عن محمد بن سکین یک عنوان غریبی است هم علی بن محمد بن سکین عنوان غریبی است از این جهت چیز خاصّی ندارد ،خوب حالا باید چیکار کنیم ؟ خوب ما از چند راه سند های مشابه را دنبال میکنیم ،سندهایی که شبیه این سند هستند کنار هم میچینیم ببینیم مجموعاً چی استفاده میشود یکی این روایت تهذیب که علی بن محمد بن سکین بود خوب در این روایت یک نقل علی عن محمد بن سکین بود و نوح بن درّاج ، خوب آن خوب آن( بن )(علی بن) معلوم نیست علی عن محمد بن سکین بوده یا علی بن محمد بن سکین بوده ، اینجا برای اینکه بحث را دنبال کنیم ببینیم رابطهء محمد بن سکین بانوح بن درّاج چطور است ، آیا از نوح بن درّاج علی بن محمد بن سکین نقل میکند یا محمد بن سکین خالی نقل میکند ، هر دوتای این عنوانها در محمد بن سکین خوب مشترک هستند دیگه ، ما میتوانیم محمد بن سکین را با نوح بن درّاج با همدیگه جستجو کنیم ، یا اصلاً سکین خالی را هم میتوانیم بزنیم ، سکین خالی را با نوح بن درّاج ، علی القاعده نباید خیلی بین سکین و نوح بن درّاج مشترکات این دوتا خیلی زیاد باشند ، یکچیزی که این وسط بهشش برخورد میکنیم این است که در رجال نجاشی در صفحه 102 رقم 254 ذیل ترجمهء ایّوب بن نوح یک عبارتی هست ، **قال محمد بن سکین ،نوح بن درّاج دعانی الی هذا الامر** ، این خیلی چیز مهمی است که ارتباط ویژه ای بین محمد بن سکین و نوح بن درّاج را اثبات میکند که نوح بن درّاج ، چون نوح بن درّاج قاضی بوده ، جزء قضات عامه بوده، این میخواهد بگه با وجودی که قاضی بوده امامی بوده و تقیّه میکرده ، و محمد بن سکین میگه اصلاً سنی بودم و به وسیلهء نوح بن درّاج به تشیّع پیوستم ، خوب این خیلی نکتهء خوبی هست برای اینکه ببینیم این علی القاعده باید محمد بن سکین اینجا باشد ، از طرف دیگه خود محمد بن سکین یک راوی معروفی است ، محمد بن سکین بن عمّار نخعی ، این یک راوی معروفی هست که در کتابهای رجالی ترجمه شده است ، محمد بن سکین بن عمّار جمّال هست که از راوی های معروف هست و خوب طبیعی هست که این محمد بن سکین اینها همه مؤید این است که باید نسخهء استبصار که علی عن محمد بن سکین باشد صحیح باشد ، خوب حالا میماند این علیی که این وسط است چه کسی است ؟ آن را هم باید دنبال کنیم ، باید آدم از این شاخه به آن شاخه برود و به بن بست نخورد و الّا اگر یک جایی به بن بست خورد باید دو باره برگردد ببیند کجای کار گیر دارد، خوب این محمد بن سکین را که ما بهش مراجعه میکنیم ، یک علی داریم و محمد بن سکین ، ما بهترین کار این است که مراجعه کنیم ببینیم رابطهء حسن بن محمد بن سماعه با محمد بن سکین چه جوری است ،این را توجه بفرمایید ، این رابطه را که میخواهیم دنبال کنیم یک موقعی با برنامهء درایة النور دنبال میکنیم که اگر جایی به نام حسن بن محمد بود حسن بن محمد سماعه را تطبیق داده شده است ، خوب راحت است از جهاتی ، یک موقعی از برنامهء جامع الاحادیث دنبال میکنیم ، در آن این احتمال دارد که بعضی جاها این حسن بن محمد بن سماعه ، حسن بن محمد خالی باشد با عنوان دیگه باشد ، حسن بن محمد کندی باشد مثلاً ، اصلاً ضمیر باشد چون حسن بن محمد بن سماعه از منابع شیخ طوسی در تهذیب هست ، همین روایت مورد بحث ما با ضمیر تعبیر شده است ،عنه عن علی بن سکین عن مشمعل بن سعد هست در تهذیب ، این است که در برنامهء جامع الاحادیث بخواهیم دنبال کنیم باتعبیر حسن بن محمد بن سماعه خیلی دشوار است ، البته درایة النور دنبال کنیم چون این ضمیر ها را بازگرداندند از این جهت کار ما را راحت تر میکند ولی درایة النور چون یک مقدار دستکاری شده ،یعنی استنباط ماهم درآن دخیل است ، اگر از درایة النور استفاده میکنیم باید برگردیم ضمیر سند را مستقیماً محور قرار بدهیم، ، این کتابها جنبهء ایصال ما به منابع باید داشته باشد به آنها اکتفاء نباید کرد باید عین همان تعبیر های منابع را انسان دنبال کند ،روی آن تعبیرات بحث را دنبال کند، علی ایّ تقدیر وقتی ما اینجا میریم سراغ رابطهء حسن بن محمد بن سماعه و محمد بن سکین ،ببینیم علی نام بین حسن بن محمد بن سماعه و محمد بن سکین کی هستند ، یعنی اینها به چه نحو است ، یک علی نام میتوانیم گیر بیاوریم یا نه ، (علی بن حسن بن حماّد ،کافی 7 )خوب عن علی بن حسن بن حمّاد عن ابن سکین داریم این یکی ،( یکی هم علی بن محمد تهذیب1159 9323 )**حسن بن محمد بن سماعه عن علی بن محمد عن محمد بن سکین عن علا عن محمد بن مسلم عن ابی جعفر علیه السلام ، قال قلت له بنات أخٍ وابن أخٍ قال** ...تا آخر روایت این روایت را در استبصار به جای علی بن محمد عن محمد بن سکین ، علی بن محمد بن سکین یا در بعضی نسخ مسکین نقل شده است ، کافی جلد 7 صفحه 126 رقم 2 هم ما داریم که روایتش این هست که با اسناد از حسن بن محمد بن سماعه از علی بن حسن بن رباط عن محمد بن سکین و علی بن ابی حمزه که بعضی نسخ بجای وعلی بن ابی حمزه ،عن علی بن ابی حمزه هست ، عن مشمعل و عن ابن رباط عن مشمعل کلّهم عن ابی بصیر که این روایت خودش یک بحث جدّیی دارد ، میبیند این روایت حالت تحویلی دارد ، تحویل خیلی سنگین که من امروز نمیرسم وارد تحویل آن بشم حسابی خودش بحث جدّی دارد که این را چکار باید کرد ،آن کلّهم یعنی چی؟ راوی از ابی بصیر کأنّ باید سه نفر باشند آن سه نفر را در این روایت از کجا باید گیر بیاریم ، و امثال اینها، روی آن جهت حسن بن محمد بن سماعه عن علی بن ، این روایت کافی یک نکته ای در آن وجود دارد آن این است که با روایت مورد بحث ما از جهت اشتمال بر مشمعل و ابی بصیر هم خیلی نزدیک است ، و از جهت متنی هم در مورد همین بحث ارث و فرائض و امثال اینها هست که این هم خیلی چیز مهمی هست ارتباط اینها با همدیگر، ولی خوب یک نکات دیگه ای در این سند وجود دارد که فعلاً از آن نکات غمض عین میکنیم ، **حسن بن محمد بن سماعه عن علی بن حسن بن رباط عن محمد بن سکین** ما حالا چند تا روایت این وسط داریم ،روایتهایی که خیلی شبیه روایت ما هستند، یکی کافی همین علی بن حسن بن رباط است که این از جهت حسن بن علی بن رباط شخص شناخته شده ای هست ،حسن بن محمد بن سماعه هم ازش خیلی روایت دارد آنهم هیچ مشکلی ندارد، روایتش هم از محمد بن سکین مشکل خاصی در اینجا دیده نمیشود، امّا آن علی بن حسن بن حمّاد عنوان غریبی است ،جای دیگه ای دیده نشده است ،مگر یک جایی علی بن حسن بن حمّاد بن میمون درتهذیب جلد 9 صفحهء 286 رقم 1026 هست که آن هم خودش یک جوری هست یک عنوان عجیب و غریبی است، بریم سراغ عنوان سوم حالا علی بن محمد عن محمد بن سکین ، این علی بن محمد هم ، اولاً استبصار نقلش مختلف بود، علی بن محمد بن سکین بود ،حالا اینها را چکار کنیم ؟ به نظر میرسد روی هم رفته اینها را کنار هم بچینیم احتمالی به ذهن خطور میکند که میشود با این احتمال تمام سندها به جوری به همدیگر برگرداند، حالا اول بیایم سند خودمان علی بن سکین ، بگیم علی بن سکین تصحیف علی عن ابن سکین باشد ،خوب این صورت که تبدیل شده باشد خیلی طبیعی است به دلیل اینکه عنوان علی و عنوان ابن سکین هر دوش عنوانها غریبی هستند ،تک عنوانی و ابن سکین اینها عنوانهایی هستند خیلی کوتاه هستند ، هردوتاشون کم هستند، یعنی عنوان متعارفی که ما در سندها داریم معمولاً یک نام دارد یک نام پدر ولی عنوانی که اینجور باشد محمد عن علی اینها خیلی عنوانهایی هستند که خیلی زمینهء اینکه اینها تبدیل بشوند به محمد بن علی یا احمد عن علی بشود احمد بن علی خیلی طبیعی است ، اگر این را ما بگیم علی عن ابن سکین هست این سند روایت ما خیلی خیلی شبیه میشود با آن سند روایت کافی ، حسن بن محمد بن سماعه عن علی بن حسن بن رباط عن محمد بن سکین حالا ادامه اش هم شما عن مشمعل در نظر بگیرید (نه دو بحث است ، یک بحث این است که ما آیا علی عن ابن سکین میتواند تصحیف بشود به علی بن سکین یا نمیتواند؟ مطلب دوم اینکه حالا علی عن ابن سکین هم باشد علی کیست ؟ ابن سکین کیست؟ این سند هست که ما را راهنمایی میکند که علی کیست ابن سکین کیست و امثال اینها، )اما آن روایت علی بن حسن بن حماد عن ابن سکین ،آن علی بن حسن بن حمّاد یک احتمالش این است که بگیم این حمّادش مصحّف رباط باشد ،این دو تا از نظر شیوهء نگارش میتوانند به گونه ای نوشته شوند که به همدیگر تبدیل بشوند، یکجور دیگه اینکه بگیم علی بن حسن عن محمد بن سکین بوده است ،آن محمد به حمّاد تبدیل شده است و بعد از همدیگر تفکیک شدند این احتمال از احتمال قبلی ضعیفتر است به دلیل اینکه تبدیل محمد به حمّاد خیلی مأنوس نیست هرچند از جهت نگارشی محمد و حماد میتوانند شبیه هم نوشته بشوند ،حماد را گاهی اوقات الفش را نمینوشتند واز این جهت شبیه به هم هستند ، ولی اینکه محمد باشد ،محمد را حمّاد بخوانند یک مقداری خالی از بعد نیست، آن هم محمد بن سکین که یک عنوان کاملاً مأنوسی هست ،آن محمدش برود حماد بشود به چسب به آن عنوان قبلی ، ابن سکینش آن هم تبدیل بشود ،آن بر خلاف روال طبیعی تصحیفات است ، اگر بین این دو تا احتمال بخواهیم یک احتمال را مطرح کنیم آن احتمال تبدیل رباط به حمّاد خیلی تبدیل طبیعیی هست و کاملاً بر اساس اصول تصحیفات و تحریفات است ولی آن یکی علی بن حسن عن محمد بن سکین بخواهد تبدیل بشود به علی بن حسن بن حمّاد عن ابن سکین خیلی ، یعنی تبدیل یک عنوان شناخته شده با عنوان غریب است، در حالی که روند طبیعی تصحیفات بر عکس است یعنی تبدیل نامأنوس به مأنوس است ،ولی آن احتمالی که مطرح میکردیم تبدیل مأنوس به نامأنوس است این است که آن احتمال خیلی به جایی نیست، این بعید نیست که ما بگیم حماّد تصحیف رباط است ، حالا آن روایت علی بن حسن بن حمّاد بن میمون خود آن خیلی عنوان عجیب و غریبی هست خودش بحثهای مفصّلی دارد ،حالا آن بماند ،میماند یک علی بن سکن داشتیم ،حالا حسن بن محمد بن سماعه عن علی بن سکن عن عبدالله بن وضّاح داشتیم، احتمال دادیم که این علی بن سکین مصحّف علی بن سکن باشد ، خود آن علی بن سکن یا علی بن مسکین باز عنوان غریبی است ، اینکه آن هم شبیه همین سندها ما باشد ، علی عن ابن سکین باشد یک چیز خیلی طبیعی و روان است، یا علی بن سکن ،آن سکنش تصحیف حسن باشد آن هم یک احتمال دیگه است ولی شاید طبیعی تر همین هست که علی بن سکنش مصحف علی عن ابن سکین باشد (یعنی ما داشتیم علی بن سکین را بررسی میکردیم میخواستیم بگیم این علی بن سکن باشد ،خوب علی بن سکن هم غریب است ،مشکلی را حل نمیکند ،ما میگفتیم علی بن سکین غریب است خوب علی بن سکن هم غریب است ، اینها همه نمیتواند یک کدام بر دیگری ترجیح داشته باشد ، اگر آن را هم بتوانیم یعنی طبیعی باشد که خود همان علی بن سکن یا علی بن مسکین که آنهم نسخه بدلهای مختلف داشت آن هم بگیم همین علی عن ابن سکین بوده چون علی بن سکن هم دقیقاً متنش مربوط به همین بحثهای ارث و امثال اینها هست ، نکتهءجالب توجه در مورد این بحثها این است که تقریباً تمام این روایتهایی که با بحثهای ما مرتبط هستند اینها در همین مضمون ارث و نحوه تقسیم ارث و اینها هستند ، حالا یک سه چهار تا روایت دیگه هم اینجا هست و بحثهایی دارد که من حالا وارد آن روایتها نمیشوم چون فرصت پرداختن به اینها نیست، مجموع این روایات این احتمال را دقیقاً به ذهن انسان خطور میدهد که این علی بن سکین یا سکن ، تصحیف علی عن ابن سکین باشد ، ببینید ظاهراً نتیجه گیری درست همین هست ،نمیخواهم همهء جوانب این بحث را اینجا طرح کنم ، غرضم این نکته است ما در واقع برای یک نام غریبی را که در سند میبینیم باید سعی کنیم نامهای غریب یکی از احتمالات طبیعی در موردش تصحیفات و تحریفات است ، برای شناخت اینکه این تصحیف چی میتواند باشد باید برویم روی اسناد مشابه از زمینه های مختلف میتوانیم این اسناد مشابه را دنبال کنیم ، در ما نحن فیه یکی از راههایی که میتوانستیم ،البته من از راه دیگه ای بحث را دنبال کردم، ولی یک از راههایی که من میتوانستم با این راه بحث را دنبال کنم ، ما اینجا همهء راهها را از طریق حسن بن محمد بن سماعه دنبال کردیم که راوی ما هست، یکی راههای دیگه این هست که از مشمعل بن سعد دنبال کنیم ، از اون طرفش، مشمعل خوب میبینید اسم یک اسم غریبی است ، سعد اسم پدر غریب ، این اسم غریب ،البته شرح حال دارد ترجمه دارد، معرفی شده ، مشکلی از جهت معرّف بودن نیست ولی علی القاعده آدم حدس میزند که نباید خیلی روایت داشته باشد ، بنابراین اگر کّل روایت مشمعل بن سعد را مراجعه کنیم احتمالاً خیلی مشکلی نیست، راحت بتوانیم با مراجعه به روایتهاش در این بحث روایتهایی که مرتبط با بحث ما هم باشد استفاده کنیم ، من اینجا ابتدا رفتم مشمعل بن سعد را مواردش را بررسی کردم ، خوب یک هفت هشت ده تا روایت آورد و آنهاییش که به درد این بحث ما میخورد کنار سندهای دیگه آوردم ولی بعد به ذهنم خطور کرد که شاید این مشمعل بن سعد بعضی جاهها هم با تعبیر مشمعل خالی ازش یاد شده باشد بن سعد نداشته باشد، مشمعل خالی هم گشتم ،اتّفاقاً همین جورم بود یکسری روایات بود آنها را هم آوردیم، در یک جایی که داشتم شرح حال مشمعل را نگاه میکردم در حاشیه یک جایی دیدم نوشته که در بعضی نسخ به جای مشمعل ، اسماعیل هست ، این دیدگاه برام چیز شد که گاهی اوقات شاید این مشمعل به اسماعیل ،چون اسم غریبی است تبدیل با اسماعیل شده است ،پس بنابراین اسماعیلی که از ابی بصیر هم روایت میکند را خوب است که در این محور بحث دنبال کنیم ، غرض من این است که ما شاخه به شاخه هی احتمالات دیگه ، سندهایی که میتواند به سند ما ارتباط داشته باشد ، اینها راباید دنبال کنیم، بعد یکسری مجموعهء اطلاعات به دست می آید ،این مجموعهء اطلاعات را باید بتوانیم تحلیل کنیم ،این تحلیل اطلاعات ، اگر میخواهیم تصحیف قائل بشیم بر اساس قواعد تصحیف و تحریف است ، قواعد تصحیف تحریف یک قواعد مشخصی هست که که حالا بعضی هاش را ما اشاره بهش کردیم ،مفصّل ترش را در بحثهای تصحیف و تحریف دنبال کردم که چکیده اش در مقالهء تصحیف و تحریفی که در دانشنامهء جهان اسلام چاپ شده آن آمده است ، تا ما این قواعد را خوب نشناسیم تا این قواعد برای ما ملکه نشود تانمونه های عملی این قواعد را در موارد مختلف ندیده باشیم به راحتی نمیتوانیم این سندها را تحلیل کنیم ، یعنی ما هم باید اطّلاعات را بدانیم چه جوری به دست بیارم ، خودش یک مرحله هست ، حالا این اطلاعات مختلف را چگونه تحلیل کنیم ، این تحلیل هم یک ضوابط و قواعدی دارد، یعنی ما مجموعه ای از راههایی که ما را به اطلاعات مورد نظر میرساند را باید یاد بگیریم، و راههایی را که این اطلاعاتی را که با اطلاعات مورد نظر ما ارتباط میتوانند داشته باشند ،نحوهء استفاده از این اطلاعات برای بررسی سند مورد نظر اینها را هم باید یاد بگیریم،این مجموعه هست که باعث میشود که ما بتوانیم روی یک سند به طور عالمانه و محققانه بررسی کنیم و سند را دنبال کنیم ، این است که برای شناخت بحثهای رجالی باید روی سندها انسان نحوهء استفاده از سندها ،یعنی نحوهء استفاده از سند مشابه در قسمتهای مختلف بحث هم در تمییز مشترکات هم در توحید مختلفات هم تصحیفات و تحریفات، یکی از محورهای اصلی اسناد مشابه هست ، وما هم الان اسناد مشابه را نحوهء استفاده از نرم افزار های موجود را برای رسیدن به اسناد مشابه دنبال کنیم ، چون به هر حال بهترین روشها برای رسیدن به اینها برنامه های نرم افزاری است ،تا نتوانیم این روشها را به طور عینی و عملی دنبال کنیم به جایی نمیرسیم ، حالا یک نتیجه گیری بکنم ، علی عن ابن سکین ، محمد بن سکین توثیق صریح دارد ، امامی ثقه هست ، علی هم علی بن حسن بن رباط است ، امامی ثقه هست ، این روایت مورد بحث ما از جهت سندی اعتبار دارد علی بن سکین وقتی شد علی عن ابن سکین از جهت سندی معتبر میشود ولی البته به دلیل وجود حسن بن حمد بن سماعه در سند موثقه هست ولی موثقه ای هست که معتبر هست، ببینید این بحثی که امروز من اینجا مطرح کردم یک مقدار خیلی کم از بحثی که چندین بار من این بحث را دنبال کردم این را در توضیح الاسنادی که در درایة النور هست یکبار این را من قبلاً نوشتم اگر ببینید متفاوت هست با این نوشته جاتی که الان خواندم ، آن را یک بار بازنویسی کردم و خیلی هم سخت است این سند از آن سندهایی هست که کار کردن روش حسابی دشوار هست ولی من یک مقداری خواستم بعضی از نکاتی که ، بعضی از روشهایی که میشود اینها را دنبال کرد را دنبال بکنم ، ببینید در جستجوها نامهای عجیب غریب را براتون حسّاسیت داشته باشد ، البته با این عنایت که ممکن است اینها هم تصحیف بشوند، مشابهاتش مثل اسماعیل ، سکین، سکن ، مسکین ، امثال اینها را هم در این بحثها باید یک مقداری دنبال کرد ،البته جستجو های ترکیبی را بخواهید دنبال کنید آن علی و محمد هم در آن جستجوهای ترکیبی به راحتی میتوانند نقش آفرین باشند، حالا اینها اجمالی بود از بحثهایی که در مورد این سند ، که فکر میکنم اگر بخواهیم بیشتر از این واردش بشیم چندان لطفی نداشته باشد .